



## برخورد مردم در مواجهه با قیام حسینی و نهضت مهدوی

میان عاشورا و انتظار، ارتباطی است سترگ؛ تا بدان‌جا که با التزام به نکات و پیام‌های مهم عاشورا، می‌توان جامعه‌ای شایسته و منتظر برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده نمود...

میان عاشورا و انتظار، ارتباطی است سترگ؛ تا بدان‌جا که با التزام به نکات و پیام‌های مهم عاشورا، می‌توان جامعه‌ای شایسته و منتظر برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده نمود...

در این مختصر به نحوه مواجهه مردم با این دو قیام اشاره می‌شود.

«...در محرم سال ۶۱ هجری قمری، امام حسین و یارانش به کربلا وارد شدند؛ در حالی‌که مقصد ایشان، کوفه بود. در حقیقت، بی‌وفایی و سرپیچی کوفیان از امر ولی‌خدا باعث شد که سفر ایشان، ناتمام بماند و پایانی تلخ و غم‌بار پیدا کند.

مردم کوفه در زمان امام حسین به چند گروه تقسیم می‌شدند. گروهی چون حبیب‌بن‌مظاهر برای امام حسین نامه نوشتند و آن حضرت را به کوفه دعوت نمودند. حبیب و مسلم بن عوسجه پس از آن‌که از ماجرای محاصره امام، مطلع شدند، به هر وسیله و شرایطی که بود، خود را به او رسانده و تا آخرین نفس، در کنار او ماندند تا به شهادت رسیدند.

گروهی دیگر- چون شبت‌بن‌ربیع، حجار بن ابجر، یزید بن حارث قیس بن‌الاشعث و عمر بن‌حجاج زیدی - نیز به مانند گروه اول، برای امام حسین نامه نوشتند و ایشان را به کوفه دعوت نمودند؛ اما پس از ورود ابن‌زیاد به کوفه، تمام عهد و سوگندهایی که در نامه‌هایشان نوشته بودند را فراموش کردند و به ابن‌زیاد پیوستند. اینان، بندگان دنیا بودند (۱) و مبنای اطاعتشان، رسیدن به منافع دنیوی بود؛ به گونه‌ای که هر کس ذره‌ای از آن را داشت یا به آن‌ها وعده آن را می‌داد، بندگی می‌نمودند. (۲) لذا تا زمانی که شرایط به نفع امام حسین بود، خود را در خیل نامه‌نگاران قرار دادند؛ اما با آمدن ابن‌زیاد، از این فرقه برون آمده و خرقة و لباس جنگ با حسین را به تن کردند.

گروهی [مثل سلیمان بن‌صرد خزاعی، رفاعه بن‌شداد با وجود نامه نگاری به امام برای حضورشان در کوفه، در کربلا حاضر نشده، پس از حادثه کربلا سخت پشیمان شدند. آنها و] گروهی که در واقعه کربلا خود را بی طرف نشان دادند، تماشاچیان بی‌تفاوتی بودند که به زعم خود، در جانب بی‌طرفی قرار می‌گرفتند؛ اما در حقیقت، شیطان آنان را فریفته بود و با سکوت خود، دشمن را یاری می‌کردند.

نه تنها در مورد مردم کوفه که این تقسیم‌بندی، به تمام انسان‌ها تعمیم پیدا می‌کند. چنان‌چه امام صادق فرمود: «اقتَرَقَ النَّاسُ فِیتَا عَلَی ثَلَاثِ فِرْقٍ فِرْقَةٌ أَحْبَبُوا انْتِظَارَ قَائِمًا لِيُصِيبُوا مِنْ دُنْيَانَا فَقَالُوا وَ حَفِظُوا كَلَامَنَا وَ قَصَرُوا عَنْ فِعْلِنَا فَسَيَحْشُرُهُمُ اللَّهُ إِلَى النَّارِ وَ فِرْقَةٌ أَحْبَبُوا وَ سَمِعُوا كَلَامَنَا وَ لَمْ يُقَصِّرُوا عَنْ فِعْلِنَا لِيَسْتَأْكِلُوا النَّاسَ بِمَا فِيمَلَأُ اللَّهُ بُطُونَهُمْ تَارًا يُسَلِّطُ عَلَيْهِمُ الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ وَ فِرْقَةٌ أَحْبَبُوا وَ حَفِظُوا قَوْلَنَا وَ أَطَاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ يُحَالِقُوا فِعْلَنَا فَأَوْلِيكَ مِتَا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ» (۳)

«مردم در قبال ما سه گروهند: گروهی، ما را دوست دارند و منتظر قائم ما هستند تا به منافع دنیوی‌اش برسند. اینان، سخن ما را حفظ و روایت می‌کنند اما به دستورات ما عمل نمی‌نمایند. اینان اهل دوزخند و خدا آن‌ها را به جهنم خواهد فرستاد. گروه دوم نیز ما را دوست دارند؛ سخن ما را می‌شنوند و در عمل به سخنان ما هم کوتاهی نمی‌کنند؛ اما هدفشان رسیدن به دنیا و دریدن مردمان است. پس خداوند، شکم ایشان را از آتش، پر و بر آن‌ها گرسنگی و تشنگی را چیره می‌کند. گروه دیگری نیز هستند که ما را دوست دارند، سخن ما را حفظ و از دستورات ما اطاعت می‌کنند و در مقام عمل، با ما مخالفت نمی‌ورزند. اینان از ما هستند و ما از آنانیم.»

سخن این‌جاست که ما از کدام دسته‌ایم؟! آیا جزو کسانی هستیم که اهل بیت را دوست می‌دارند اما به دنیا دلبسته و وابسته‌اند؟ چونان کوفیانی که قاصدان، شرح حالشان را این‌گونه به امام دادند: «قلوبهم معک و سیوفهم علیک»، «قلب‌هایشان با تو و شمشیرهایشان بر توست»؟ (۴)

### آیا بی‌طرفان بی‌تعهدیم یا پا در رکابان مخلص؟!

تا زمانی که موضع خود را در قبال امام زمانمان مشخص نکرده‌ایم، ظهور آن حضرت ناممکن است؛ چراکه زمانی جهان برای ظهور فرزند حسین مهیاست که تفکر صحیحی چون تفکر مسلم‌بن‌عوسجه بر جهان حاکم شود؛ آن‌گاه که در لحظات آخر عمرش به حبیب بن مظاهر وصیت کرد: «فإني أوصيك بهذا وأشير إلى الحسين ع فقاتل دونه حتى تموت» (۵)

[پس] نکته مهمی که از قیام امام حسین می‌توان دریافت، جایگاه و نقش اساسی یاران در به ثمر نشان دادن اهداف امام معصوم است. این جایگاه به قدری بااهمیت است که در صورت حذف آن، حرکت و تلاش امامان معصوم نیز بی‌نتیجه خواهد ماند. پس بر تمامی یاران و شیعیان حضرت مهدی واجب است که برای زمینه‌سازی ظهور و تحقق اهداف ایشان تلاش نمایند و در این مسیر از قلت نفرت، هراسی نداشته باشند. چونان مسلم‌بن‌عقیل، سفیر غریب امام حسین که از جان خود گذشت تا پیام حسین را به مردم برساند.

قرآن، در آیات مختلفی، از تلاش و کوشش و دلسوزی‌های مؤمنین در راه کمک‌رسانی به تحقق اهداف الهی، سخن به میان آورده است که در ادامه، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

\*در سوره یس، آن‌گاه که از پیامبران متعددی یاد می‌شود که به سوی قومی فرستاده شدند و سرانجام، همگی به شهادت رسیدند، به مرد گم‌نامی اشاره می‌شود که به کمک پیامبران شتافت و مردم را به اطاعت آنان فراخواند: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْتَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (۶)؛ و از دورترین نقطه شهر، مردی شتابان آمد و گفت: ای قوم من! از این فرستادگان [خدا] پیروی کنید، از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی‌خواهند و آنان راه یافته‌اند.

\*\*هنگامی که فرعون و درباریان، تصمیم به قتل موسی گرفتند، مرد گم‌نامی از دورترین نقاط شهر به یاری موسی برخاست و او را از جریان توطئه‌ای که علیه او شکل گرفته بود، آگاه کرد: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِيَّيْ لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (۷)

مردی از دورترین [نقطه شهر شتابان آمد] او [گفت: ای موسی! اشراف و سران فرعونی درباره تو مشورت می‌کنند که تو را بکشند؛ بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیرخواهان توام.

\*\*\*حر، یکی از شخصیت‌های مثال‌زدنی واقعه کربلاست که چونان نامش، آزاده بود. جدای از شجاعت، آن‌چه در شخصیت او تبلور خاص دارد و می‌تواند الگویی برای همه مردم و مسئولان باشد، شهامت عذرخواهی است که آن‌هم از آزادگی او نشأت می‌گیرد. (۸) این‌که هر فرد یا گروه بتواند با صراحت و بدون غرور، از کرده خود عذرخواهی کند، مسأله مهمی است.

اولین مرحله در مسیر قرب امام معصوم، عذرخواهی از کرده‌های اشتباه است. چنان‌چه قرآن از زبان برادران حضرت یوسف می‌فرماید: «قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ» (۹) قسم به خدا که خدا تو را بر ما برتری بخشید و ما گناهکاریم.

ما نیز در انجام وظایفمان، بسیار کوتاهی کرده‌ایم و در کوتاهی ما همین بس که حضرت ولی‌عصر فرمود: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَوْمَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِمَا فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِمَا تَكَرَّهُهُ وَ لَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ» (۱۰)

«اگر شیعیان ما- که خداوند به آن‌ها توفیق اطاعتش را بدهد- بر عهد و پیمانی که داشتند، مستحکم می‌ماندند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد. آنچه ما را از آنان دور می‌دارد، بدی‌های آنان است که ما ناخوشایند می‌داریم و نمی‌پسندیم.»  
ما در مقابل حضرت کوتاهی کرده‌ایم و او را فراموش کرده‌ایم. پس جا دارد که از او عذر بخواهیم و حرگونه، در راه حمایت و دفاع از او برخیزیم.

«اللَّهُمَّ أَعِنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ الْجَاهِدِ فِي طَاعَتِهِ وَ الْجِتَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ...» (۱۱) «خدایا ما را یاری نما تا حقوقش را ادا کنیم و در پیروی و اطاعت او بکوشیم و از نافرمانی‌اش حذر نماییم.»

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ...» (۱۲) «خدایا مرا از انصار و کمک‌کاران و مدافعین و حامیان او و در جمله کسانی که در انجام حوائج او شتابان هستند و در راه او به شهادت می‌رسند، قرار ده.» (۱۳)

پاورقی:

۱-التاس عبید الدتیا و الدین لعق علی ألسنتهم يحوطونه ما درت معایشهم فإذا محصوا بالبلاء قلّ الدّیانون؛ «مردم بنده دنیاوند و دین، لقلقه زبانشان است. تا جایی که دنیا باشد، هستند و هرگاه به بلایا امتحان شوند، دین‌داران کم می‌شوند» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲)

۲-خرقت الشهوات عقله و أماتت الدنیا قلبه و لهت علیها نفسه فهو عبد لها و لمن فی یدیه شیء منها؛ «شهوات، عقل او را زایل کرده و دنیا، قلبش را میرانده و وآله و حیران دنیا است. او بنده دنیا و هرکس که ذره‌ای از آن را داراست، می‌باشد» (شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۰۰)

۳-بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰

۴-دلایل الإمامة، ج ۷۴، ص ۴

۵-لهوف، ۱۰۲

۶-سوره یس، آیه ۲۰ و ۲۱

۷-سوره قصص، آیه ۲۰

۸-حرّ زمانی که به امام حسین علیه السلام پیوست، گفت: «اللهم إلیک أنیب فنب علیّ فقد أربعت قلوب أولیائک و أولاد نبیک یا ابن رسول الله هل لی من توبة قال نعم تاب الله علیک»؛ «خدایا به سوی تو برمی‌گردم. توبه‌ام را بپذیر که من قلوب اولیاء و فرزندان پیامبرت را لرزاند. ای فرزند پیامبر! آیا من هم می‌توانم توبه کنم [و توبه من پذیرفتنی است؟]» (۱۲) (۱۲) -بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۹

۹-سوره یوسف، آیه ۹۱

۱۰-بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶

۱۱-بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸

۱۲-فرازی از دعای عهد، مفاتیح الجنان

۱۳-از فرات تا فرات، صص ۵۹-۵۱، نکاتی پیرامون عاشورا و انتظار، حجه الاسلام محمدصاحب جعفری، پژوهشگر عرصه مهدویت